

آورده‌ها و مفقوده‌های تاریخ‌نگاری پرواند آبراهامیان

محمد مالجو



متن بازنویسی‌شده‌ی سخنرانی در دانشگاه تربیت
مدرس به تاریخ ۲۵ دی ۱۳۹۷



عنوان صحبت من در این جلسه «آورده‌ها و مفقوده‌های تاریخ‌نگاری یرواند آبراهامیان» است؛ آبراهامیان، به داوری من، در مقام برجسته‌ترین مورخ تاریخ معاصر ایران. اجازه دهید معیارهای خودم برای صورت‌بندی آورده‌ها و مفقوده‌های تاریخ‌نگاری آبراهامیان را از بُرش‌های کوتاهی از *ژرمینال*، شاهکار ادبی امیل زولا، اخذ کنم.

ماهو، یکی از پرسوناژهای اصلی *ژرمینال*، مردی کارگر بود ساکنِ خانه‌ی محقری در محله‌ای کارگری که از سرِ فقر برای کسب درآمدی ولو ناچیز به‌ناچار شب‌ها به اتی‌ین، مرد کارگرِ جوانِ غریبه‌ای، در تک‌اتاق‌خواب خانوادگی پرتعدادش جاخواب می‌داد. پس از یک ماه سکونت اتی‌ین در خانه‌ی ماهو کار به جایی کشیده بود که اتی‌ین و کاترین، دختر جوانِ ماهو، شبانه‌گام پیش از خاموش کردن شمع‌ها نیمه‌عریان به سمت بستر خود می‌رفتند. کاترین هم‌چنان لب‌تخت می‌نشست و گیسوان خود را گره می‌زد. بازوان‌اش ضمن این کار بالا می‌رفت و پیراهن‌اش را تا روی ران‌ها بالا می‌برد و اتی‌ین که تن‌پوش خودش را درآورده بود گاه کمک‌اش می‌کرد تا سنجاق‌هایی را که از دست دختر می‌افتاد برایش از پایین تخت بیابد. عادت، عادتِ آرمیدن و زیستن دسته‌جمعی در تک‌اتاقی کوچک، شرم برهنگی را میان این مرد و زن جوان از بین برده بود. آنان این وضع را طبیعی می‌شمردند. گناه از آنان نبود که یک اتاق بیش‌تر نداشتند. متعاقب اعتصاب گسترده‌ی ناموفق کارگرانِ محله در تلاش برای تغییر شرایط زیستی و کاری‌شان سرانجام ماهو به‌دست ایادی کارفرمایان به قتل رسید، کاترین ضمن حوادثی دردناک مُرد، و اتی‌ین در صبحی بهاری برای ازسرگیری مبارزه‌ی کارگری به پاریس مهاجرت کرد.

در این رگه‌ها از پی‌رنگ داستان *ژرمینال* پنج مؤلفه‌ی درهم‌تنیده‌ی مفهومی حضور دارند که شالوده‌ی ارزیابی من از تاریخ‌نگاری آبراهامیان را شکل می‌دهند. یکم، روایت داستان که از منظر پایین است نه از منظر بالا، از منظر فرودستان نه

فراستان، از منظر ماهوها و اتی‌ین‌ها و کاترین‌ها، از منظر طبقه‌ی کارگر. دوم، هستی اجتماعی فرودستان که برآیند انواع هستی‌های طبقاتی و جنسی و قومیتی و نژادی‌شان است و بر فراز سرشان و مستقل از اراده‌شان قوام می‌یابد و از این‌رو خصلتی ساختاری دارد؛ این‌جا در *ژرمینال* عمدتاً هستی‌های طبقاتی و جنسی‌شان. سوم، تجربه‌های زیسته‌ی روزمره‌ی فرودستان مشتمل بر انواع تجربه‌های زیسته‌ی طبقاتی و جنسی و قومیتی و نژادی و در واقع شیوه‌ی زندگی‌شان که به‌تمامی معلول کلیت هستی اجتماعی‌شان است؛ این‌جا در *ژرمینال* مشخصاً تجربه‌ی اسکان در تک‌اتاقی محقر که معلول هستی طبقاتی و جایگاه طبقاتی‌شان است. چهارم، شکل و نوع شعور انسانی‌شان که تا حدی محصول تجربه‌های زیسته‌ی روزمره‌شان و شیوه‌ی زندگی‌شان است؛ این‌جا در *ژرمینال* مشخصاً نگرش‌شان به برهنگی و عریانی که تا حدی محصول تجربه‌ی زیسته‌ی طبقاتی‌شان در تک‌اتاقی محقر است. پنجم، شکل و نوع کنش دسته‌جمعی‌شان برای تحقق منافع‌شان؛ این‌جا در *ژرمینال* مشخصاً اعتصاب کارگری در تلاش برای تغییر شرایط زیستی و کاری‌شان.

اگر این مؤلفه‌های مفهومی در قالب *ژرمینال* زولا به‌سال ۱۸۸۵ در ادبیات ظاهر شدند، حدوداً هشتاد سال بعدتر با دقت مفهوم‌پردازانه‌ی به‌مراتب بیش‌تر و گستره‌ی به‌مراتب گسترده‌تری در قالب مکتب تاریخ‌نگاری بریتانیایی «تاریخ از پایین» به پژوهش‌های تاریخ‌نگارانه راه یافتند. آبراهامیان در مقام مورخ مشخصاً ملهم از همین مورخان بریتانیایی «تاریخ از پایین» بوده است، مورخانی چون جورج رودی و اریک هابسباوم و کریستوفر هیل و البته ادوارد پالمِر تامپسون.

از این‌رو آبراهامیان، ملهم از مورخان بریتانیایی «تاریخ از پایین»، نخستین مورخی بود که رویکرد تاریخ از پایین را به شیوه‌ای منضبط و آگاهانه در متن تاریخ معاصر ایران به کار گرفت. آبراهامیان در بخشی از تاریخ‌نگاری ایران اصولاً شأن بنیان‌گذارانه دارد و پدر تاریخ‌نگاری از پایین در تاریخ‌نگاری معاصر ایران است. پیش

و بیش از هر کس با آبراهامیان است که تاریخ معاصر ایران را ما امروز فقط از منظر فاتحان و نخبگان و شاهان نمی‌بینیم بلکه منظر فرودستان نیز در تاریخ‌نگاری ایران معاصر به دیده گرفته شده است. دیدگاه آبراهامیان در روایت‌گری تاریخ معاصر ایران نه صرفاً بر اساس حافظه‌ی فرادستان و نخبگان و پیروزمندان شکل گرفته است. اصلی‌ترین مبنای روایت‌گری آبراهامیان از تاریخ معاصر ایران عبارت است از حافظه‌ی نه فاتحان که مغلوبان، نه سرمایه‌داران که کارگران، نه اربابان که دهقانان، نه حاکمان که محکومان، نه دژخیمان که قربانیان. در انبوهه‌ای از انواع تضادهای شدید منافع طبقاتی و قومیتی و جنسیتی و ایدئولوژیکی در بستر حیات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نسل‌های گذشته‌ی ما آبراهامیان با روایت‌گری‌های تاریخ‌نگارانه‌اش در طرف فرودستان و در برابر فرادستان می‌ایستد بی‌آن که مُبلغانه برای یکی سوگواری کند و کین‌توزانه از دیگری عیب‌جویی.

بر این مبنا به تاریخ از پایین که بنگریم، رویدادهای سیاسی در بسیاری از موارد در تاریخ ایران اصولاً معنایی دگرگونه می‌یابند. این معانی دگرگونه خصوصاً محصول نگاه آبراهامیان به تاریخ ایران از پایین و احتساب فاعلیت انواع فرودستان است. فقط چند مورد محض نمونه. انقلاب ۱۳۵۷ بیش‌تر از پایین شکل گرفت تا از بالا. ایرانیان، در تاریخ معاصر، اعتراضات خیابانی را نه ملهم از فرهنگ مذهبی و منس امام سوم شیعیان، حسین‌بن‌علی، بلکه عمدتاً ملهم از فرهنگ تاریخی خودشان راه می‌انداختند. فراز و فرود جنبش کارگری در حدفاصل سال‌های ۱۳۲۰ الی ۱۳۳۲ نه تحت تأثیر خط‌مشی شوروی بلکه تحت تأثیر سازوکارهای درونی جامعه و سازمان سیاسی حزب توده قرار داشت. شاهان قاجار مستبدانی بودند بدون ابزار استبداد برای اعمال استبدادشان در پهنه‌ای به وسعت کل کشور. سیاست در ایران نه نوعی نمایش خیمه‌شب‌بازی است که گویی قدرت‌های خارجی‌اند که کنترل سیاست‌مداران داخلی را از طریق ریسمان‌هایی نامرئی در دست دارند، هرچند برخی بدگمانی‌ها درباره‌ی

توطئه‌های خارجی به تمامی موجه است. این‌ها نمونه‌هایی است از مواردی بس پرشمار در تاریخ‌نگاری آبراهامیان که به‌مدد نگاه به تاریخ از پایین بر عاملیت‌های انواع فرودستان متمرکز می‌شود و از این رهگذر به‌قوت نشان می‌دهد بسیاری از به‌اصطلاح حقایق تاریخی فقط افسانه‌هایی تاریخی‌اند.

این نوع تاریخ‌نگاری و نگاه به تاریخ از پایین نزد آبراهامیان که بازتاب نخستین مولفه‌ی مفهومی پیش‌گفته است چهار لازمه‌ی کلیدی دارد، یعنی همان دومین تا پنجمین مؤلفه‌های مفهومی مأخوذ از زولا در نقطه‌ی عزیمت بحث‌مان که به‌طرزی مستقل اما نظام‌مند در مکتب بریتانیایی تاریخ از پایین و خصوصاً تاریخ‌نگاری ادوارد پالمر تامپسون به حد اعلا تجلی یافته بود. ببینیم این مؤلفه‌های مفهومی تا چه حد در تاریخ‌نگاری آبراهامیان به کار گرفته شده‌اند.

از نخستین لازمه یعنی سطح هستی اجتماعی سوژه‌های آماج مطالعه در آثار آبراهامیان شروع می‌کنم که گرچه از این کتاب و مقاله به آن کتاب و مقاله‌ی ایشان فرق می‌کنند اما من این‌جا یک کاسه در نظرشان می‌گیرم. سطح هستی اجتماعی سوژه‌های آماج مطالعه، به قراری که پیش‌تر گفتم، بر فراز سر سوژه‌ها شکل می‌گیرد، یعنی تحت‌تأثیر عواملی چون طبقه و قومیت و نژاد و جنس و غیره که مستقل از خواست و اراده‌ی سوژه‌های فردی است و وجه ساختاری دارد. آبراهامیان در بررسی سطح هستی اجتماعی در آثارش بر این لازمه‌ی تاریخ‌نگاری از پایین به‌قوت متمرکز شده است. از باب نمونه، *ایران بین دو انقلاب* در قیاس با تاریخ‌نگاری‌های قبلی از غنای تجربی بسیار بالایی برخوردار است و خصوصاً هستی طبقاتی و هستی قومیتی سوژه‌های آماج مطالعه نه صرفاً در چارچوب مفاهیم انتزاعی بلکه در چارچوب کار تاریخ‌نگاری در دستور کار مطالعه قرار گرفته‌اند، با درون‌مایه‌های تجربی بس بیش‌تری در قیاس با همه‌ی تاریخ‌نگاری‌های پیش از آبراهامیان در تاریخ ایران.

اهمیت بررسی نخستین لازمه یعنی سطح هستی اجتماعی در مطالعه‌ی دومین لازمه یعنی سطح تجربه‌های زیسته است که خود را نشان می‌دهد. تجربه‌های زیسته‌ی سوژه‌های آماج مطالعه به‌تمامی با هستی اجتماعی‌شان است که متعین می‌شود. به عبارت دیگر، هستی اجتماعی سوژه‌ها است که، در تناظری تقریباً یک‌به‌یک، وضع بهداشت و سلامت و درمان و آموزش و مسکن و دوست‌یابی و معاشرت و تغذیه و مصرف روزمره و مصرف کالاهای فرهنگی و فراغت و ازدواج و سایر سپهرهای زندگی روزمره‌شان را تعیین می‌کند. این‌ها انواع تجربه‌های زیسته‌ی روزمره‌اند. تجربه‌ی زیسته به معنای انتخاب فرد در برابر شرایطی ساختاری است که بر فراز سر و مستقل از اراده‌اش شکل می‌گیرد. مجموعه‌ی تجربه‌های زیسته‌ی روزمره است که شیوه‌ی زندگی خاصی را رقم می‌زند. مطالعه‌ی تجربه‌های زیسته و شیوه‌ی زندگی به معنای محدودی که بنا بر سنت تاریخ‌نگاری بریتانیایی از تاریخ اجتماعی در نظر دارم وظیفه‌ی تاریخ‌نگار اجتماعی است. تصور می‌کنم حلقه‌ی مفقوده‌ی تاریخ‌نگاری آبراهامیان عبارت است از همین تاریخ‌نگاری اجتماعی. تاریخ اجتماعی در مجموعه‌ی آثار آبراهامیان به‌هیچ‌وجه پررنگ نیست. آبراهامیان به بررسی تجربه‌های زیسته و شیوه‌ی زندگی سوژه‌های آماج مطالعه‌اش چندان نپرداخته است. میل به شناخت تجربه‌های زیسته و شیوه‌ی زندگی نسل‌های گذشته فقط و فقط نوعی کنجکاوی تاریخی نیست. اگر مهم است که وضع بهداشت و سلامت و درمان و آموزش و مسکن و ازدواج و تغذیه و مصرف و سایر تجربه‌های زیسته‌ی نسل‌های گذشته را بشناسیم به این دلیل است که همین تجربه‌های زیسته و سرجمع‌شان یعنی شیوه‌ی زندگی نسل‌های گذشته بوده است که درجه و انواع آگاهی‌ها و ناآگاهی‌هاشان را تا حدی شکل می‌داده است. ارزش‌ها و نگرش‌ها و مهرها و کین‌های نسل‌های گذشته از جمله در اثر تجربه‌های زیسته‌ی روزمره‌شان و در واقع تحت تأثیر شیوه‌ی زندگی‌شان شکل می‌یافته است. به عبارت دیگر، گرایش‌های فکری نسل‌های گذشته تا حدی در اثر شیوه‌ی

زندگی‌شان که به‌نوبه‌ی خود یک‌سره معلول هستی اجتماعی‌شان بوده است شکل می‌گرفته است. کمالین که در *ژرمینال* زولا می‌بینیم که هستی طبقاتی اتی‌ین و کاترین که از طبقه‌ی کارگر بودند آرمیدن و زیستن و زندگی‌شان در تک‌اتاقی محقر را، هم‌چون تجربه‌ی زیسته‌ی روزمره‌شان در زمینه‌ی مسکن، تعیین می‌بخشید و همین تجربه‌ی زیسته‌شان در تک‌اتاقی محقر بود که تا حدی اصولاً نیمه‌عریانی در برابر یک‌دیگر را برای این مرد بیگانه و زن جوان از حالت وضعیتی گناه‌آلود درمی‌آورد و طبیعی جلوه می‌داد. ارزش‌ها و نگرش‌های اتی‌ین‌ها و کاترین‌ها از جمله تحت‌تأثیر تجربه‌های زیسته‌ی روزمره‌شان و درواقع شیوه‌ی زندگی‌شان شکل می‌گرفت. اهمیت تاریخ‌نگاری اجتماعی و مطالعه‌ی تجربه‌های زیسته‌ی روزمره و شیوه‌های زندگی که مفقوده‌ی تاریخ‌نگاری آبراهامیان است از همین‌جا سرچشمه می‌گیرد که نگرش‌های سوژه‌های آماج مطالعه تا حدی در اثر تجربه‌های زیسته‌ی روزمره‌شان شکل می‌گیرد. همین‌جاست که به سومین لازمه یعنی سطح شعور انسانی و گرایش‌های فکری می‌رسیم.

آبراهامیان در آثار متنوع‌اش البته سطح گرایش‌های فکری سوژه‌های آماج مطالعه‌اش را به‌قوت در بوته‌ی بررسی نهاده است اما نه از مجرای تأثیرپذیری‌شان از تجربه‌های زیسته‌ی روزمره‌شان. فقدان تاریخ‌نگاری اجتماعی نزد آبراهامیان باعث شده است که پژوهش‌هایی که درباره‌ی گرایش‌های فکری سوژه‌های آماج مطالعه‌اش به عمل آورده است تا حد بسیار زیادی منفک از نحوه‌ی تکوین‌شان در اثر نقش‌آفرینی‌های تجربه‌های زیسته‌ی روزمره‌ی سوژه‌های تحت بررسی‌اش باشد، اما نه همیشه. از باب نمونه، در کتاب *اعترافات شکنجه‌شدگان* به‌قوت نشان می‌دهد که معنای مفاهیمی چون خیانت و خائن و تواب و اعتراف چه‌گونه در اثر تجربه‌های زیسته‌ی روزمره‌ی هم‌زندانان و هم‌شهروندان آزاد طی دهه‌های اخیر دستخوش دگرگونی قرار گرفته است. تواب و خائن مثلاً در دهه‌ی پنجاه خورشیدی و سال‌های

اولیه‌ی انقلاب یک معنا داشت و در دهه‌های بعدی یک‌سره معنایی دیگر. افزایش آگاهی‌ها درباره‌ی شکنجه در زندان‌ها باعث درک بسیار بیش‌تری از شرایط اعتراف‌کنندگان «خائن» شده بود چندان که در دوره‌های متأخرتر حتا احساس هم‌دلی نیز میان زندانیان و شهروندان با همین «خائنان» شکل می‌گرفته است. آبراهامیان از نقش آفرینی «تجربه‌ی زیسته» در شکل‌دهی به آگاهی‌ها نیک آگاه است اما در سرزمینی که از کمبود آرشئوها در بازسازی تجربه‌های زیسته‌ی نسل‌های گذشته و نقصان ادبیات داستانی در تقریر تجربه‌های زیسته در لحظه‌ها و سپهرهای گوناگون حیات اجتماعی در رنج است، تاریخ‌نگاری اجتماعی و بازسازی تجربه‌های زیسته و شیوه‌های زندگی سوژه‌های آماج مطالعه‌ی مورخ نیز با دشواری‌های بس بیش‌تری مواجه است. همین فقدان نسبی تاریخ‌نگاری اجتماعی در آثار آبراهامیان باعث شده است که گرچه نزد آبراهامیان کماکان هستی اجتماعی انسان‌هاست که شعور آنان را تعیین می‌کند اما، آن‌گاه که مورخ برجسته‌ی ما به عرصه‌ی تجربی گام می‌نهد، رابطه‌ی هستی اجتماعی با شعور انسانی چندان با میانجی‌گری تجربه‌های زیسته‌ی روزمره‌ی سوژه‌های آماج مطالعه روایت نمی‌شود. باین‌حال، آبراهامیان، ولو عمدتاً منفک از تجربه‌های زیسته و مجزا از شیوه‌های زندگی و در واقع نامجهز به تاریخ‌نگاری اجتماعی، در سطح مؤلفه‌ی مفهومی شعور انسانی اصولاً روایت‌های بسیار درخشان و کم‌نظیری درباره‌ی گرایش‌ها و ارزش‌ها و نگرش‌ها و آگاهی‌ها و ناآگاهی‌های سوژه‌های آماج مطالعه‌اش به دست می‌دهد، توأم با درجه‌ی بالایی از غنای تجربی که در تاریخ‌نگاری ایران پیش از آبراهامیان بی‌سابقه بوده است. از باب نمونه، چه بسا بتوان درخشان‌ترین قطعه‌های اندیشه‌ی اجتماعی و تاریخ‌نگاری در ایران را، هم از زاویه‌ی تئوریک و هم از منظر تجربی، در تحلیل‌های آبراهامیان از چرایی تکوین نیافتگی آگاهی طبقاتی در اثر تفوق علایق قومی در ایرانِ اواخر عصر قاجار در نخستین فصل *ایران بین دو انقلاب* یافت.

نهایتاً می‌رسم به چهارمین لازمه‌ی تاریخ‌نگاری از پایین یعنی سطح کنش دسته‌جمعی سوژه‌های آماج مطالعه. اگر در مبحث ارزش‌ها و نگرش‌ها و آگاهی‌ها صحبت از دانستن بود، در این سطح کنش دسته‌جمعی اما سخن بر سر توانستن است. اگر در سطح آگاهی‌ها مثلاً از شناخت کارگران درباره‌ی همانندی منافع خودشان و تفاوت یا تضاد منافع‌شان با منافع سایر طبقات اجتماعی گفته می‌شد، در سطح کنش دسته‌جمعی مثلاً بر این موضوع متمرکز می‌شویم که طبقه‌ی کارگر تا چه حد می‌تواند مَهر منافع طبقاتی خودش را بر تحولات جامعه بکوبد. پاسخ بستگی دارد به بود یا نبود و نیز قوت یا ضعف بازوهای که طبقه‌ی کارگر برای کوبیدن مَهر منافع خودش بر تحولات اجتماعی احیاناً در اختیار دارد. سایر سوژه‌های آماج مطالعه نیز به همین قیاس. این‌جا صحبت از سویی بر سر انواع شکل‌های نهادی هویت‌های دسته‌جمعی است که عامل بسیج کنش‌های دسته‌جمعی سوژه‌های آماج مطالعه‌اند و از سوی دیگر بر سر خود انواع کنش‌های دسته‌جمعی در چارچوب‌های گوناگون. آبراهامیان در این سطح به قوت تاریخ‌نگاری کرده است. در آثار آبراهامیان چرایی فقدان قیام دهقانی گسترده و چه‌گونگی انواع تحركات کارگری در جنبش کارگری و نحوه‌ی عملکرد جماعت‌ها در خیابان‌های شهرهای بزرگ در ایران معاصر را می‌یابیم. آبراهامیان علاوه بر سطح کنش‌های دسته‌جمعی هم‌چنین به سطح نهادی و سازمانی کنش‌های دسته‌جمعی نیز پرداخته است. از باب نمونه، پژوهش درباره‌ی سازمان مجاهدین خلق زیر چتر اسلام رادیکال و نیز جنبه‌های گوناگون تشکیلاتی حزب توده از برجسته‌ترین تحقیقات تاریخی آبراهامیان در این قلمرو است. بود یا نبود و ضعف یا قوت عاملیت‌های فرودستان را در همین سطح از کنش دسته‌جمعی باید جست. آبراهامیان هم تکوین‌یافتگی و هم تکوین‌نیافتگی انواعی از عاملیت‌ها میان بازیگران گوناگون تاریخ معاصر ایران را به قوت روایت کرده است.

چنان که پیش تر گفتم، آبراهامیان پدر تاریخ‌نگاری از پایین در ایران معاصر بوده است. ثمره‌ی پژوهش‌های آبراهامیان برای تاریخ‌نگاری ایران نه یک آورده بلکه خانواده‌ای از انواع آورده‌ها بوده است. اما در کنار این آورده‌ها مفقوده‌ی اصلی تاریخ‌نگاری آبراهامیان عبارت بوده است از تاریخ‌نگاری اجتماعی با دستورکار پژوهش در تجربه‌های زیسته‌ی روزمره و کلاً شیوه‌های زندگی سوژه‌های آماج مطالعه. آبراهامیان به تجربه‌های زیسته‌ی روزمره و شیوه‌های زندگی سوژه‌های آماج مطالعه‌اش چندان توجهی نکرده است.

بازیابی آنچه مفقوده‌ی تاریخ‌نگاری آبراهامیان می‌دانم در ایران امروز از اهمیتی سیاسی برخوردار است. امروز دیوارهای بلند متعددی در جامعه‌ی ما بخش‌های گوناگون جمعیت را از هم جدا کرده و انواع پرشماری از دوئیت‌ها و تضادها و نفرت‌های متقابل را درون جمعیت رقم زده است. امروزه جامعه‌ای داریم بس شقه‌شقه‌شده. این شقه‌شقه‌شدگی‌ها استمرار زیست جمعی مان را سخت به مخاطره افکنده است. آن قدر که به نگرش‌ها و ارزش‌ها برمی‌گردد، صاحبان این نگرش تا مغز استخوان از صاحبان آن نگرش متنفرند و برعکس. تساهل و تسامح و به‌رسمیت‌شناسی دیگران در قاموس هیچ‌یک از دو طرف چندان جایی ندارد. در این میان، تاریخ‌نگاری اجتماعی و بازیابی و مطالعه‌ی تجربه‌های زیسته‌ی روزمره و کلاً شیوه‌های زندگی متنوع مردمان، که از سویی معلول هستی‌های اجتماعی ساکنان سرزمین مان بوده است و از دیگر سو ارزش‌ها و نگرش‌هاشان را تا حدی شکل می‌داده است، می‌تواند در نقش عاملی عمل کند که ما تنوع و کثرت ارزش‌ها و نگرش‌ها میان خودمان را به رسمیت بشناسیم و توان هم‌زیستی دسته‌جمعی پیدا کنیم. تاریخ‌نگاری اجتماعی و مطالعه‌ی تجربه‌های زیسته و شیوه‌های زندگی انواع مردمان فقط نوعی کنجکاوی دانش‌ورانه نیست در این باب که نسل‌های گذشته‌مان در شبانه‌روزشان چه گونه می‌زیستند. نحوه‌ی زیست‌شان از مهم‌ترین عواملی بوده است که ارزش‌ها و

نگرش‌هاشان را شکل می‌داده است. آگاهی برآمده از یافته‌های تاریخ‌نگاری اجتماعی مبنی بر این که ارزش‌ها و نگرش‌هایی که منفورمان‌اند در تناسب با تجربه‌های زیسته‌ی مردمانی بوده‌اند که به حکم هستی اجتماعی‌شان چنین یا چنان می‌اندیشیده‌اند هادی‌مان‌اند به این بصیرت که راه مناسب برای تغییر ارزش‌ها و نگرش‌هایی که مطلوب‌مان نیستند نه حذف و سرکوب و دفع اغیار که تلاش برای تغییر بنیادی در هستی اجتماعی صاحبان‌شان است، مسیری که به افزایش توان زیست دسته‌جمعی در سرزمین مشترک شقه‌شقه‌شده‌ی کنونی‌مان راه می‌برد. بسط و تعمیق پروژه‌ی سترگ تاریخ‌نگاری آبراهامیان، یعنی نگاه به تاریخ از پایین، در گرو عطف توجه جدی به تاریخ‌نگاری اجتماعی نیز هست، در گرو اهتمام به مطالعه‌ی تجربه‌های زیسته‌ی روزمره و شیوه‌های زندگی نسل‌های پیشین‌مان در سپهرهای گوناگون.